



پوهنتون دعوت

# مبادی حقوق

(نسخهٔ تجدید نظر شده، دارای اصلاحات و اضافات)

دکتور شیرعلی ظریفی



## شناسه کتاب

نام کتاب: مبادی حقوق

مؤلف: دکتور شیرعلی ظریفی

ناشر: موسسه نشراتی بصیرت و آمریت تحقیقات و نشرات پوهنتون دعوت

صفحه آرا: عبیدالله پارسا

سال چاپ: ۱۴۰۰ هـ. ش

نوبت چاپ: جدید

شماره گان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰ افغانی

ویراستار: محقق غلام نبی حنیفی

ایمیل : Basiratp1395@gmail.com

ISBN: ۹۷۸ - ۹۹۳۶-۹۰۰۳-۰۰-۱

شماره های تماس : ۰۷۴۴ ۳۶۳ ۴۹۰ / ۰۷۳۱۲۰۳۰۴۰ / ۰۷۷۸۴۷۹۱۵۸ / ۰۷۸۶۸۵۶۸۰۷

آدرس ها: جاده آسمایی، جوی شیر، انتشارات بصیرت.

لـ ناحیه پنجم، چهارراهی قمبر، پوهنتون دعوت - آمریت تحقیقات علمی و نشرات.

[www.dawat.edu.a](http://www.dawat.edu.a)

[dawat.research2021@gmail.com](mailto:dawat.research2021@gmail.com)

حق چاپ، نشر و کاپی محفوظ است

اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

## پیام کمیته تحقیق پوهنتون دعوت

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله و صحبه و من والاه  
وبعد:

پوهنتون دعوت افتخار دارد که گام مثبت دیگری در راستای رشد علمی خویش برداشته و کتاب مفید درسی مضمون مبادی حقوق را به محصلین گرامی و دوست داران علم حقوق، تقدیم می نماید.

کتاب هذا که دست آورد سالها تدریس عملی دکتور شیرعلی «ظریفی» استاد ورزیده پوهنتون دعوت است، قبلاً نیز چند مرتبه چاپ گردیده و طی یک دهه در پوهنتون دعوت و پوهنتونهای ملی دیگر تدریس شده است. نسخه کنونی آن با اضافات مفید محتوایی و تزیینات جالب شکلی با حمایت پوهنتون دعوت چاپ می شود، تا شیفندگان دانش از محتوای پر بار و عبارات وجیز و سرشار از معانی بلند آن مستفید گردند.

به امید اجر کامل برای مؤلف کتاب و استفاده بهتر برای دوستداران علم.

کمیته تحقیق پوهنتون دعوت

## فهرست

عنوان .....	صفحه
مقدمه .....	۱۱
تعریف مبادی حقوق .....	۱۳
موضوع علم حقوق .....	۱۴
فایده علم حقوق .....	۱۵
فصل اول: قانون .....	۱۷
مبحث اول: شناخت قانون و قاعده قانونی .....	۱۷
صفت اول: قاعده قانونی قاعده سلوک اجتماعی است .....	۱۸
صفت دوم: قاعده قانونی کلی است .....	۲۰
صفت سوم: قاعده قانونی الزام آور است .....	۲۱
صفت چهارم: قاعده قانونی ضمانت اجرایی دارد .....	۲۳
وسائل اجبار قواعد قانونی .....	۲۴
مبحث دوم: فرق میان قواعد قانونی و قواعد دیگر سلوک اجتماعی ...	۲۷
رابطه میان قواعد قانونی و اوامر دین .....	۲۷
تفاوت میان ادیان .....	۲۸
ضرورت جامعه به قانون .....	۲۹
برتری قوانین الهی .....	۲۹
مقایسه میان قوانین الهی و وضعی .....	۳۱
رابطه میان تشریح الهی و قوانین وضعی .....	۳۴
رابطه میان قواعد قانونی و قواعد اخلاق .....	۴۲
تمییز میان قواعد قانونی و قواعد مجاملات .....	۴۴

عنوان .....	صفحه
مبحث سوم: اساس و هدف قانون .....	۴۶
اساس قانون .....	۴۶
اول: مکتب قانون طبیعی (فطری) (Naturalism) .....	۴۹
سیر تاریخی قانون طبیعی (Natural Law) .....	۵۰
قانون طبیعی در عصر جدید .....	۵۳
برخی از قواعد قانون طبیعی .....	۵۶
قانون طبیعی از دیدگاه اسلام .....	۵۷
دوم- مکتب واقعی (Positivism) .....	۵۸
سوم- مکتب تاریخی (Culturalism) .....	۵۹
هدف قانون .....	۶۲
مذهب اصالت فرد (لیبرالیزم) .....	۶۳
نتایج این مذهب .....	۶۴
انتقاد از مذهب اصالت فرد .....	۶۵
مذهب اصالت جمع (سوسیالیزم) .....	۶۶
نتایج عملی این مذهب .....	۶۷
انتقاد از این مذهب .....	۶۷
مذهب آشتی دهنده گان میان مصالح فرد و مصالح جامعه .....	۶۸
موقف دین اسلام .....	۶۹
مبحث چهارم: تقسیم قوانین .....	۷۱
قوانین عام و خاص .....	۷۱
قوانین داخلی و خارجی (ملی و بین‌المللی) .....	۷۲

صفحه	عنوان
۷۳	قوانین متنی و شکلی
۷۴	قانون عام
۷۵	اول- قانون بین الملل عمومی
۷۶	مصادر قانون بین الملل عمومی
۷۷	دوم- قانون اساسی
۷۹	سوم- قانون اداری
۷۹	چهارم - قانون مالی
۸۱	پنجم- قانون جزاء
۸۶	ششم- قانون کار
۸۷	قانون خاص
۸۹	اول- قانون مدنی
۹۳	دوم- قانون تجارت
۹۳	جدا شدن قانون تجارت از قانون مدنی
۹۷	سوم - اصول محاکمات مدنی و تجاری
۹۹	چهارم - قانون بین الملل خصوصی
۱۰۵	مبحث پنجم: نظام های حقوقی جهان معاصر
۱۰۵	نظام حقوقی اسلام
۱۰۷	نظام حقوقی کامن لا (Common law)
۱۰۸	نظام حقوقی "سول لا" (Civil law)
۱۱۱	مبحث ششم: مصادر قاعده قانونی
۱۱۳	اول- قانون مدون

عنوان .....	صفحه
دوم- اساسات کلی فقه حنفی شریعت اسلام.....	۱۱۵
جایگاه اسلام در قوانین افغانستان.....	۱۱۶
سوم- عرف.....	۱۱۶
ارکان عرف.....	۱۱۸
اول - رکن مادی عرف.....	۱۱۹
دوم - رکن معنوی عرف.....	۱۲۰
عرف و عادت نو پیدا.....	۱۲۱
<b>مبحث هفتم: تفسیر قاعده قانونی.....</b>	<b>۱۲۳</b>
انواع تفسیر.....	۱۲۵
اول - تفسیر قضایی.....	۱۲۵
خصوصیات تفسیر قضایی.....	۱۲۶
دوم - تفسیر خصوصی.....	۱۲۷
سوم - تفسیر قانونی.....	۱۲۷
مکتبهای مختلف تفسیر.....	۱۲۸
مکتب سنتی (مکتب شرح بر متون).....	۱۲۸
مکتبهای جدید.....	۱۲۹
قواعد تفسیر.....	۱۳۰
در صورت وجود متن قانونی.....	۱۳۱
متن سالم.....	۱۳۱
متن عییدار.....	۱۳۱
راههای تفسیر عبارت عییدار.....	۱۳۴



عنوان .....	صفحه
شروط قیاس .....	۱۴۰
صورت‌های قیاس .....	۱۴۱
<b>مبحث هشتم: ساحة تطبيق قانون .....</b>	<b>۱۴۶</b>
اول - ساحة مكانى تطبيق قانون .....	۱۴۶
استثنا در مجال قانون عام .....	۱۴۸
استثنا در مجال قانون خاص .....	۱۴۹
وضيعة قوانين افغانستان از نگاه ساحة مكانى تطبيق قانون ..	۱۴۹
دوم - ساحة زمانى تطبيق قانون .....	۱۵۱
تصور مشكل .....	۱۵۲
نظريه سنتى .....	۱۵۳
نظريات جديد .....	۱۵۴
استثناهاى قاعده عدم رجعيعة قانون .....	۱۵۶
ساحة زمانى تطبيق قانون در نظام قانون افغانستان .....	۱۵۷
<b>فصل دوم: حق .....</b>	<b>۱۶۱</b>
<b>مبحث اول: تعريف حق .....</b>	<b>۱۶۱</b>
<b>مبحث دوم: انواع حقوق .....</b>	<b>۱۶۳</b>
اول - حقوق غيرمالى .....	۱۶۳
الف - حمايت وجود مادى انسان .....	۱۶۵
ب - حمايت وجود ادبى انسان .....	۱۶۸
دوم - حقوق مالى .....	۱۶۸
انواع حقوق مالى .....	۱۶۹

عنوان .....	صفحه
انواع حقوق شخصی.....	۱۶۹
انواع حقوق عینی اصلی.....	۱۷۱
انواع حقوق عینی تبعی.....	۱۷۴
سوم - حقوق ذهنی (حقوق مختلط).....	۱۸۰
پهلوی شخصی بودن حقوق ذهنی.....	۱۸۲
پهلوی مالی بودن حقوق ذهنی.....	۱۸۲
<b>مبحث سوم: منابع حق.....</b>	<b>۱۸۵</b>
منبع اول حق: تصرف قانونی.....	۱۸۶
اول - عقد.....	۱۸۶
ارکان عقد.....	۱۸۷
شروط عقد.....	۱۹۱
دوم - ارادهٔ انفرادی.....	۱۹۵
منبع دوم حق: واقعهٔ قانونی.....	۱۹۶
اول - فعل مضر.....	۱۹۶
دوم - فعل مفید.....	۱۹۶

## مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد العالمين محمد وعلى آله وأصحابه ومن اهتدى بهديه إلى يوم الدين.

و بعد

انسان موجودی مکرم و معزز است، زیرا دنیا و ما فیها برای استفاده وی خلق شده و علوم طبیعی، اجتماعی، زبان‌ها و غیره همه، به سببی اهمیت دارند که به نفع انسان از آن استفاده می‌شود، پس همه این علوم خادم انسان‌اند.

موضوع علم حقوق کردار و گفتار بشر است، این علم روابط انسان را با هم‌نوعان وی تنظیم می‌کند، سلوک بشری مشروع و نامشروع را بیان می‌دارد و آثار مرتب بر اعمال اشخاص را آشکار می‌سازد، به بیان دیگر علم حقوق از اصول حاکم بر اعمال جامعه بشری بحث می‌کند. از اینرو علم حقوق حاکم انسان است.

در کشور عزیز ما افغانستان حقوق از شریعت گرفته شده است، زیرا قوانین افغانستان بنا بر ماده سوم قانون اساسی<sup>(۱)</sup> همه از شریعت اسلام پیروی می‌کند، لهذا تعلّم این علم به گونه‌ای که مواضع شریعت اسلام نیز در موضوعات مختلف آن آشکار شود، آموختن خیر کثیر خواهد بود.

چون بنده از مدت بیشتر از ده سال در ضمن مشاغل دیگر، متصدی

---

۱ - متن ماده سوم قانون اساسی چنین صراحت دارد: در افغانستان هیچ قانون نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.

تدریس مضمون مبادی حقوق بوده‌ام، این ضرورت را همیشه احساس می‌کردم تا یک کتاب مختصر و جامع که از کیفیت نوشته‌های تدریسی برخوردار باشد به زبان‌های ملی ما تألیف گردد. این نوشته که در دست شما قرار دارد، در اول به شکل چپتر ناچاپ، توسط خودم و همچنان توسط استادان متعدد در پوهنتون‌های مختلف، سال‌ها تدریس شده است و من همیشه اضافات و تنظیماتی را در آن وارد کرده‌ام، که در نهایت سه مرتبه توسط ناشران مختلف چاپ شد.

خصوصیت عمده این نوشته - که آن را از سایر نوشته‌های موجود در موضوع مبادی حقوق مجزا می‌کند - در این است که خواننده را با نظام قانونی افغانستان تا حدی زیادی آشنا می‌سازد، زیرا ما از نزدیک با قوانین افغانستان تماس گرفته و اکثریت مثال‌ها و توضیحات را از آن اخذ نموده‌ایم.

نسخه‌ی هذا، برای آخرین بار، تجدید نظر و بخش‌های ارزیابی و تقویة معلومات در آن افزوده شده، علاوه بر آن اصلاحات و اضافات ارزنده‌ای در آن درج گردیده است.

از الله متعال امیدوارم تا شاگردان عزیز، در وقت کم، فایده علمی زیاد از آن کسب نمایند.

## تعریف مبادی حقوق

مبادی حقوق از دو نگاه تعریف می‌شود: اول - از نگاه مرکب اضافی، دوم - از نگاه نام و لقب برای یک علم.

### اول- تعریف آن از نگاه مرکب اضافی: شناخت مبادی حقوق از نگاه یک

مرکبی که مشتمل بر دو کلمه: مضاف (مبادی) و مضاف الیه (حقوق) است. از نگاه لغت «مبادی» جمع مبدأ، که اسم ظرف است از بدأ به معنای شروع کردن و مبدأ جای شروع.

حقوق جمع حق است و به چندین معنا اطلاق می‌شود، که از آن جمله:

۱- مطابقت با واقعیت. گفته می‌شود: کلامش حق است، یعنی راست است

و با واقعیت مطابقت دارد.

۲- به حصه، ماندنی که ما می‌گوییم: این حق من است.

۳- به ثبوت منفعت برای یک شخص ماندنی که می‌گویند: پدر بر پسر

حق دارد و مالک بر مال خود حق دارد.

«حقوق» در اصطلاح حقوقدانان بر دو معنا اطلاق می‌شود:

الف- به معنای مجموعه‌ای از قواعد قانونی، که در این اطلاق «حقوق» با

قانون مترادف است. مانند حقوق مدنی، حقوق جزا، حقوق تجارت و غیره.

ب- به معنای ثبوت منفعت برای شخص که قانون از آن حمایت کند. مانند

حق حیات، که هر شخص حق دارد تا زنده بماند و قانون، تجاوز بر حیات انسان را

منع می‌کند و همچنان حق ملکیت، حق انتقال از مکانی به مکان دیگر و غیره.

زمانی که کلمه «حقوق» به صیغه جمع ذکر می‌شود اکثراً مراد از آن قانون

است و زمانی که «حق» به صیغه مفرد ذکر می‌شود مراد از آن منفعت ثابت

برای یک یا چند شخص می‌باشد.